

تحلیل بالینی پرخاشگری در دختران در آستانه بلوغ: ارتباط با تغییرات هورمونی، روان‌شناختی و اجتماعی

مریم موسوی^۱، معصومه بیرانوند^۲، نجمه نعیمی فر^۳، سارا بنی نعیمه^۴

۱- کارشناس ارشد روانشناسی، مدیر دبیرستان متوسطه اول فرهنگ، آموزش و پرورش ناحیه یک استان خوزستان

۲- کارشناس ارشد روانشناسی، سازمان آب و برق خوزستان

۳- کارشناس مهندسی معماری، آموزگار پایه سوم ابتدایی، آموزش و پرورش ناحیه دو استان مرکزی

۴- کارشناس سازمان آب و برق خوزستان

چکیده

چکیده

دوره بلوغ یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی است که با تغییرات فیزیولوژیکی و روانی قابل توجهی همراه است. در این پژوهش، به بررسی پرخاشگری در دختران در آستانه بلوغ پرداخته شده و ارتباط آن با تغییرات هورمونی، روان‌شناختی و اجتماعی تحلیل می‌شود. این تحقیق بر اساس نمونه‌ای شامل ۳۰ دختر نوجوان در آستانه بلوغ انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که تغییرات هورمونی ناشی از بلوغ، به ویژه افزایش سطح هورمون‌های استروژن و تستوسترون، تأثیر قابل توجهی بر نوسانات خلقی و رفتارهای پرخاشگرانه دارند. علاوه بر این، مشکلات روان‌شناختی مانند اضطراب و احساس هویت ناکامل نیز به عنوان عوامل مهم در بروز پرخاشگری شناخته شده‌اند. از سوی دیگر، محیط‌های اجتماعی مانند خانواده و فشارهای همسالان نقش مؤثری در تقویت یا کاهش این رفتارها ایفا می‌کنند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که پرخاشگری در دختران بلوغی به‌طور مستقیم با تغییرات هورمونی و عوامل روان‌شناختی مرتبط است و نیاز به رویکردهای جامع‌تری برای مدیریت آن در سطح اجتماعی و درمانی وجود دارد. این پژوهش بر لزوم مداخلات چندوجهی در مواجهه با پرخاشگری دختران بلوغی تأکید دارد و می‌تواند به توسعه راهکارهای درمانی مؤثر در این زمینه کمک کند.

کلیدواژگان: پرخاشگری، دختران بلوغی، تغییرات هورمونی، اضطراب

۱. مقدمه

دوره بلوغ یکی از پیچیده‌ترین و بحرانی‌ترین مراحل زندگی انسان است که به‌ویژه در دختران با تغییرات هورمونی، روانی و اجتماعی گسترده‌ای همراه است. این تغییرات می‌تواند تأثیرات عمده‌ای بر رفتارها و واکنش‌های فردی داشته باشد، به‌ویژه در زمینه‌های روان‌شناختی مانند پرخاشگری. پرخاشگری در دوران بلوغ می‌تواند به صورت علائم فیزیکی و روانی مختلفی بروز کند و به یکی از مسائل چالش‌برانگیز در حوزه روان‌شناسی بالینی تبدیل شود. در این دوران، دختران ممکن است تحت تأثیر عواملی چون تغییرات هورمونی، مشکلات هویت، فشارهای اجتماعی و خانوادگی قرار گیرند که می‌تواند به بروز رفتارهای پرخاشگرانه منجر شود.

این پژوهش درصدد است تا به بررسی علل پرخاشگری در دختران در آستانه بلوغ پرداخته و نقش تغییرات هورمونی، روان‌شناختی و اجتماعی را در بروز این رفتارها تحلیل نماید. فهم بهتر این عوامل می‌تواند به توسعه روش‌های درمانی مؤثرتر و مداخلات پیشگیرانه در این زمینه کمک کند.

در این تحقیق، پرخاشگری به عنوان مجموعه‌ای از رفتارهای خشونت‌آمیز، عصبی و تحریک‌آمیز تعریف می‌شود که ممکن است به صورت فیزیکی یا کلامی بروز کند. این رفتارها می‌توانند ناشی از مشکلات روان‌شناختی مانند اضطراب، افسردگی و استرس باشند و یا به‌طور مستقیم تحت تأثیر تغییرات هورمونی دوران بلوغ قرار گیرند. در دوران بلوغ، افزایش سطح هورمون‌های استروژن و تستوسترون می‌تواند موجب تغییرات قابل توجه در رفتارها و هیجانات فرد شود. از سوی دیگر، فشارهای اجتماعی و تغییرات در روابط خانوادگی نیز می‌توانند به تحریک رفتارهای پرخاشگرانه منجر شوند.

تحقیقات زیادی در زمینه پرخاشگری در دوران بلوغ انجام شده است، اما هنوز چالش‌هایی در شناسایی و تحلیل دقیق علل و عوامل مؤثر بر این رفتارها وجود دارد. در این بخش، به برخی از تحقیقات اخیر در این زمینه اشاره می‌کنیم:

کوهی و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی ارتباط بین تغییرات هورمونی و پرخاشگری در دختران نوجوان پرداخته‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که افزایش هورمون‌های استروژن در دوران بلوغ با افزایش تمایل به رفتارهای پرخاشگرانه در دختران مرتبط است.

جانسون (۲۰۱۹) در تحقیق خود به بررسی نقش فشارهای اجتماعی در شکل‌گیری رفتارهای پرخاشگرانه در دختران بلوغی پرداخته و نشان داده است که عوامل اجتماعی مانند خانواده و دوستان می‌توانند تأثیرات عمده‌ای در بروز این رفتارها داشته باشند.

مارتینز و همکاران (۲۰۲۰) بر این نکته تأکید دارند که اضطراب و مشکلات هویتی در دوران بلوغ می‌توانند به شکل‌گیری پرخاشگری در دختران منجر شوند. این تحقیق نشان می‌دهد که دخترانی که از مشکلات هویتی رنج می‌برند، بیشتر در معرض بروز رفتارهای پرخاشگرانه قرار دارند.

تایلر و میلر (۲۰۱۷) تحقیقی در مورد تأثیر تغییرات هورمونی و روابط خانوادگی بر پرخاشگری در دختران نوجوان انجام داده‌اند. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که مشکلات خانوادگی مانند عدم حمایت عاطفی و اختلافات والدین می‌توانند نقش مهمی در تشدید رفتارهای پرخاشگرانه داشته باشند.

پارکر و استیونس (۲۰۱۶) نیز در پژوهشی به بررسی تأثیر تغییرات اجتماعی و هورمونی بر تغییرات رفتاری دختران نوجوان پرداخته و به این نتیجه رسیدند که تغییرات هورمونی به‌ویژه در مرحله ابتدایی بلوغ می‌تواند به بروز اختلالات رفتاری از جمله پرخاشگری کمک کند.

با وجود اینکه بیشتر محققان به نقش تغییرات هورمونی در پرخاشگری دختران بلوغی تأکید دارند، تفاوت‌هایی در تأکید آن‌ها بر سایر عوامل نیز مشاهده می‌شود. برای مثال، کوهی و همکاران بیشتر به تأثیر هورمون‌ها پرداخته‌اند، در حالی که تحقیقات جانسون و مارتینز به اهمیت عوامل اجتماعی و روان‌شناختی اشاره دارند. تایلر و میلر نیز بر نقش مشکلات خانوادگی تأکید کرده‌اند که ممکن است تحت تأثیر هورمونی و روان‌شناختی قرار گیرد.

بنابراین، در حالی که بیشتر تحقیقات به دنبال شناسایی یک عامل خاص برای پرخاشگری در دختران هستند، به نظر می‌رسد که یک رویکرد چندوجهی شامل بررسی همزمان تغییرات هورمونی، اجتماعی و روان‌شناختی می‌تواند تصویر دقیق‌تری از علل و عوامل مؤثر بر این رفتارها ارائه دهد.

هدف اصلی این تحقیق بررسی پرخاشگری در دختران در آستانه بلوغ است و نقش تغییرات هورمونی، روان‌شناختی و اجتماعی در بروز این رفتارها را تحلیل می‌کند. به‌ویژه، این مطالعه قصد دارد تا ارتباط میان تغییرات هورمونی و روان‌شناختی، و همچنین تأثیرات اجتماعی و خانوادگی را در ایجاد پرخاشگری در دختران بلوغی بررسی نماید. این تحقیق همچنین به دنبال شناسایی روش‌های مؤثر در پیشگیری و درمان پرخاشگری در دختران نوجوان است و می‌تواند به توسعه مدل‌های درمانی جامع‌تر در این زمینه کمک کند.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی و توصیفی-تحلیلی است که به بررسی علل و عوامل مؤثر در بروز پرخاشگری در دختران در آستانه بلوغ پرداخته و به تحلیل روابط بین تغییرات هورمونی، روان‌شناختی و اجتماعی می‌پردازد. هدف این پژوهش، کشف و بررسی دقیق ابعاد مختلف پرخاشگری و شناسایی متغیرهای مؤثر بر آن در این گروه سنی است. این تحقیق با رویکرد پیمایشی و مقطعی انجام می‌شود، به این صورت که داده‌ها در یک دوره زمانی خاص جمع‌آوری می‌شوند و هدف آن شناسایی روابط میان متغیرها است. جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی دختران در آستانه بلوغ در سنین ۱۱ تا ۱۴ سال است که در مدارس متوسطه اول شهر اهواز مشغول به تحصیل هستند. بلوغ یکی از مراحل حساس زندگی است که به‌ویژه در دختران می‌تواند تغییرات فیزیولوژیکی و روانی قابل توجهی ایجاد کند. به دلیل گستردگی و تنوع جمعیت در اهواز، برای انتخاب نمونه از روش‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد.

مرحله اول: انتخاب خوشه‌ها (مدارس) به صورت تصادفی از میان مدارس دولتی و غیردولتی در سطح شهر اهواز صورت گرفت. برای ایجاد تنوع در نمونه، مدارس از مناطق مختلف شهری (مناطق کم‌درآمد، متوسط و بالای شهر) انتخاب شدند.

مرحله دوم: از هر مدرسه انتخاب‌شده، به طور تصادفی ۳۰ دانش‌آموز دختر در سنین ۱۱ تا ۱۴ سال به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. به این ترتیب، در مجموع ۱۲۰ نفر از دختران در آستانه بلوغ برای تکمیل پرسشنامه‌ها و مشارکت در این تحقیق انتخاب شدند.

مرحله سوم: در این مرحله، گروه‌های مختلف بر اساس ویژگی‌های دموگرافیکی و محیطی مانند وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده‌ها و منطقه سکونت نیز مورد بررسی قرار گرفتند. این اقدام برای تأثیرات محیطی و اجتماعی بر رفتارهای پرخاشگرانه بسیار حائز اهمیت بود.

در این تحقیق، چندین متغیر مختلف برای تحلیل در نظر گرفته شده است. این متغیرها به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر پرخاشگری در دختران بلوغی تأثیر می‌گذارند. این متغیرها به شرح زیر هستند:

متغیر مستقل: تغییرات هورمونی، روان‌شناختی و اجتماعی

تغییرات هورمونی: تأثیر تغییرات هورمونی بلوغ (استروژن، پروژسترون و تستوسترون) بر رفتارهای فردی و هیجانات.

عوامل روان‌شناختی: اضطراب، افسردگی، اضطراب اجتماعی، مشکلات هویت.

عوامل اجتماعی: فشارهای اجتماعی ناشی از خانواده، دوستان، و وضعیت اقتصادی و اجتماعی.

متغیر وابسته: پرخاشگری در دختران در آستانه بلوغ

پرخاشگری کلامی: شامل تهدید، فحاشی، انتقادهای تند و تحقیرآمیز.

پرخاشگری فیزیکی: شامل ضرب و شتم، کتک زدن، آسیب رساندن به خود یا دیگران.

برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزارهای استاندارد و معتبر استفاده شد که از لحاظ علمی و روان‌شناختی تأیید شده‌اند:

پرسشنامه پرخاشگری: این پرسشنامه شامل مجموعه‌ای از سؤالات برای اندازه‌گیری رفتارهای پرخاشگرانه کلامی و فیزیکی است. پرسشنامه شامل ۲۴ سؤال در زمینه رفتارهای کلامی و فیزیکی پرخاشگرانه است که توسط معلمان، والدین و خود دانش‌آموزان ارزیابی شد.

پرسشنامه تغییرات هورمونی: این پرسشنامه از سؤالاتی برای اندازه‌گیری احساسات و تغییرات جسمانی مرتبط با بلوغ در دختران تشکیل شده است. سؤالات مربوط به نوسانات خلقی، اضطراب، افسردگی، و تغییرات فیزیولوژیکی می‌باشد.

پرسشنامه اضطراب: برای ارزیابی میزان اضطراب عمومی و استرس‌های روان‌شناختی، از پرسشنامه اضطراب اسپیلبرگر (State-Trait Anxiety Inventory) استفاده شد. این پرسشنامه ۲۰ سوالی به‌طور ویژه برای سنجش اضطراب و احساسات اضطراب‌زا در نوجوانان طراحی شده است.

پرسشنامه محیط اجتماعی و خانوادگی: پرسشنامه‌ای برای سنجش تأثیر محیط اجتماعی (همسالان، دوستان، مدرسه) و خانوادگی (نقش والدین، وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده‌ها) بر رفتارهای پرخاشگرانه دختران بلوغی طراحی شده است. این پرسشنامه‌ها به‌صورت مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (از «کاملاً موافق» تا «کاملاً مخالف») طراحی شدند. برای اطمینان از اعتبار و پایایی ابزارها، پرسشنامه‌ها پیش از جمع‌آوری داده‌ها توسط گروهی از متخصصان حوزه روان‌شناسی مورد بررسی و اصلاح قرار گرفتند.

روش تحلیل داده‌ها

پس از جمع‌آوری داده‌ها، از روش‌های آماری مختلف برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. این تحلیل‌ها به‌طور دقیق به بررسی روابط بین متغیرهای مختلف کمک می‌کنند:

آزمون‌های توصیفی: برای ارائه توصیف ابتدایی از داده‌ها و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه (میانگین، انحراف معیار و توزیع فراوانی) از آمار توصیفی استفاده شد.

آزمون همبستگی پیرسون: برای بررسی ارتباط بین متغیرهای هورمونی، روان‌شناختی، اجتماعی و پرخاشگری، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. این آزمون به‌ویژه برای بررسی روابط خطی میان متغیرهای مختلف کاربرد داشت.

تحلیل رگرسیون چندگانه: این روش برای تحلیل تأثیر همزمان متغیرهای مختلف (هورمونی، روان‌شناختی و اجتماعی) بر پرخاشگری استفاده شد. رگرسیون چندگانه امکان تحلیل پیچیده‌تر و شناسایی متغیرهای پیش‌بینی‌کننده مؤثر را فراهم می‌آورد.

آزمون تحلیل واریان (ANOVA): برای مقایسه میانگین‌های پرخاشگری در گروه‌های مختلف (بر اساس سن، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، وضعیت خانوادگی و محیط مدرسه) از آزمون ANOVA استفاده شد. این آزمون به بررسی تفاوت‌های معنادار بین گروه‌ها کمک می‌کند.

تمامی مراحل تحقیق با رعایت اصول اخلاقی پژوهش انجام شد. برای حفظ حقوق شرکت‌کنندگان، رضایت‌نامه آگاهانه از تمامی دانش‌آموزان و والدین آنها دریافت گردید. در این رضایت‌نامه‌ها تمامی جزئیات تحقیق، روش‌های جمع‌آوری داده‌ها و نحوه استفاده از اطلاعات ارائه شد. همچنین، برای حفظ محرمانگی، تمامی داده‌ها به‌صورت ناشناس جمع‌آوری و در هنگام تحلیل، کدگذاری شدند. شرکت‌کنندگان در هر مرحله از تحقیق حق داشتند از مشارکت خود انصراف دهند و این انصراف هیچ‌گونه عواقب منفی برای آنها به همراه نداشت. علاوه بر این، داده‌ها تنها برای مقاصد علمی و پژوهشی استفاده شد و پس از پایان تحقیق، گزارش‌ها به‌صورت خلاصه و بدون اشاره به هویت افراد منتشر شدند.

در این تحقیق برخی محدودیت‌ها وجود دارد که ممکن است بر نتایج آن تأثیرگذار باشد:

محدودیت جغرافیایی: جامعه آماری تنها از دختران مدارس شهر اهواز انتخاب شد و این نتایج ممکن است برای سایر شهرها یا مناطق قابل تعمیم نباشد.

وابستگی به خودگزارش‌دهی: بسیاری از داده‌ها از طریق پرسشنامه‌های خودگزارش‌دهی جمع‌آوری شده‌اند که ممکن است تحت تأثیر سوگیری‌های فردی قرار گیرند.

این تحقیق با استفاده از ابزارهای معتبر و روش‌های آماری پیچیده، توانست ارتباطات و تأثیرات هورمونی، روان‌شناختی و اجتماعی بر پرخاشگری در دختران در آستانه بلوغ در شهر اهواز را به‌طور دقیق بررسی کند. یافته‌های این تحقیق می‌تواند در جهت بهبود مداخلات درمانی و پیشگیری در این زمینه کمک‌کننده باشد.

بحث و نتایج

در این بخش، نتایج به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده از ۱۲۰ دختر در آستانه بلوغ در شهر اهواز، بررسی و تحلیل خواهند شد. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی تأثیر تغییرات هورمونی، روان‌شناختی و اجتماعی بر پرخاشگری در دختران در دوران بلوغ است.

از این رو، نتایج این تحقیق با استفاده از روش‌های آماری مختلف، به تحلیل روابط میان این متغیرها و پرخاشگری پرداخته و مقایسه‌ای با سایر تحقیقات پیشین صورت می‌گیرد تا میزان تأثیر هر یک از این عوامل بر پرخاشگری در این گروه سنی مشخص شود.

در این بخش، ابتدا نتایج توصیفی داده‌ها ارائه می‌شود، سپس به بررسی روابط بین متغیرها پرداخته خواهد شد. همچنین، برای بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر پرخاشگری، از تحلیل‌های رگرسیونی و همبستگی استفاده می‌شود. در نهایت، نتایج این تحقیق با یافته‌های مطالعات پیشین مقایسه خواهد شد تا صحت و اعتبار این نتایج ارزیابی شود.

نتایج تحلیل داده‌ها

در این تحقیق، اطلاعات جمع‌آوری‌شده از ۱۲۰ دختر در آستانه بلوغ، که در چهار مدرسه مختلف از مناطق مختلف شهر اهواز شرکت کردند، با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. به‌منظور تحلیل دقیق‌تر، از آزمون‌های آماری مختلف همچون آزمون همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه، و تحلیل واریانس (ANOVA) استفاده شد. در ادامه، نتایج اصلی به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها به تفصیل شرح داده شده‌اند.

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه: در تحقیق حاضر، ۱۲۰ دختر در آستانه بلوغ شرکت کردند که ۶۰٪ از آن‌ها در گروه سنی ۱۱ تا ۱۲ سال و ۴۰٪ در گروه سنی ۱۳ تا ۱۴ سال قرار داشتند. این اطلاعات نشان می‌دهد که تحقیق به‌طور متوازن دختران از گروه‌های سنی مختلف را در بر می‌گیرد. همچنین، ۵۲٪ از دختران در خانواده‌های کم‌درآمد، ۳۶٪ در خانواده‌های متوسط و ۱۲٪ در خانواده‌های با درآمد بالا زندگی می‌کنند. این تنوع اجتماعی می‌تواند به تحلیل تأثیرات مختلف اجتماعی بر پرورشگری کمک کند.

آزمون‌های توصیفی: نتایج توصیفی حاصل از داده‌ها نشان می‌دهند که میانگین امتیاز پرورشگری در دختران برابر با ۳.۱ از ۵ است که نشان‌دهنده وجود رفتارهای پرورشگرانه در اکثریت نمونه‌ها است. همچنین، میانگین نمرات تغییرات هورمونی و اضطراب نیز به ترتیب ۳.۲ از ۵ و ۳.۰ از ۵ به‌دست آمد که نشان‌دهنده تأثیر معنادار این متغیرها بر رفتارهای پرورشگرانه دختران است.

تحلیل همبستگی و روابط بین متغیرها

در این بخش، به بررسی روابط بین متغیرهای تحقیق پرداخته خواهد شد. برای تحلیل این روابط، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

رابطه بین تغییرات هورمونی و پرورشگری: نتایج تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد که تغییرات هورمونی در دوران بلوغ، به‌ویژه افزایش سطح استروژن و تستوسترون، با پرورشگری همبستگی مثبت و معناداری دارد. ($r = 0.45, p < 0.01$) این یافته‌ها نشان می‌دهند که تغییرات هورمونی در دوران بلوغ می‌تواند باعث بروز رفتارهای پرورشگرانه در دختران شود. این نتایج با تحقیقات پیشین هم‌راستا است، به‌ویژه مطالعه‌ای که توسط کوهی و همکاران (۲۰۱۸) انجام شد و نشان داد که تغییرات هورمونی می‌تواند تأثیرات عمده‌ای بر رفتارهای اجتماعی و پرورشگرانه دختران در دوره بلوغ بگذارد.

رابطه بین اضطراب و پرورشگری: تحلیل‌های همبستگی نشان داد که اضطراب با پرورشگری در دختران همبستگی مثبت و معناداری دارد. ($r = 0.37, p < 0.01$) این نتایج مشابه با تحقیق مارتینز و همکاران (۲۰۲۰) است که نشان دادند اضطراب به‌طور معناداری می‌تواند باعث تشدید رفتارهای پرورشگرانه در نوجوانان شود. در این تحقیق، اضطراب به‌ویژه در دخترانی که دچار مشکلات روان‌شناختی مانند افسردگی یا اضطراب اجتماعی هستند، تأثیر بیشتری بر بروز پرورشگری داشته است.

رابطه بین محیط اجتماعی و خانوادگی و پرورشگری: نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که محیط اجتماعی و خانوادگی تأثیر معناداری بر پرورشگری در دختران دارد. ($r = 0.50, p < 0.01$) به‌ویژه در دخترانی که در محیط‌های خانوادگی با مشکلاتی چون اختلافات والدینی یا کمبود حمایت عاطفی زندگی می‌کنند، رفتارهای پرورشگرانه بیشتر مشاهده شده است. این نتایج با پژوهش تابلر و میلر (۲۰۱۷) هم‌راستا است که نشان دادند محیط خانوادگی و اجتماعی از عوامل کلیدی مؤثر در رفتارهای پرورشگرانه است.

تحلیل رگرسیون چندگانه

برای تحلیل تأثیر همزمان تغییرات هورمونی، اضطراب و محیط اجتماعی بر پرورشگری، از مدل رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج این تحلیل به شرح زیر است:

تأثیر تغییرات هورمونی: نتایج رگرسیون نشان داد که تغییرات هورمونی (سطح استروژن و تستوسترون) به‌طور معناداری پرخاشگری را پیش‌بینی می‌کند ($\beta = 0.32, p < 0.01$). این یافته‌ها تأثیرات قوی تغییرات هورمونی در دوران بلوغ بر رفتارهای پرخاشگرانه را تأکید می‌کند.

تأثیر اضطراب: اضطراب نیز به‌طور معناداری بر پرخاشگری تأثیر دارد ($\beta = 0.29, p < 0.05$). این نشان‌دهنده نقش اضطراب در بروز رفتارهای پرخاشگرانه است، به‌ویژه در شرایطی که دختران با استرس‌های روان‌شناختی روبه‌رو می‌شوند.

تأثیر محیط اجتماعی و خانوادگی: محیط اجتماعی و خانوادگی نیز تأثیر معناداری بر پرخاشگری دارد ($\beta = 0.25, p < 0.05$). این متغیر نشان می‌دهد که شرایط اجتماعی و خانوادگی می‌تواند به‌طور غیرمستقیم از طریق افزایش اضطراب و تغییرات هورمونی، بر رفتارهای پرخاشگرانه تأثیر بگذارد. به‌طور کلی، مدل رگرسیون نشان داد که ۵۰٪ از واریانس پرخاشگری در دختران توسط تغییرات هورمونی، اضطراب و محیط اجتماعی توضیح داده می‌شود. این نشان‌دهنده اهمیت همزمان این عوامل در بروز پرخاشگری است.

نتایج این تحقیق با بسیاری از مطالعات پیشین هم‌راستا است. کوهی و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیق خود به ارتباط میان تغییرات هورمونی و رفتارهای پرخاشگرانه اشاره کرده‌اند که در این تحقیق نیز تأثیر معنادار تغییرات هورمونی بر پرخاشگری تأیید شد. همچنین، نتایج مارتینز و همکاران (۲۰۲۰) که نشان داده‌اند اضطراب می‌تواند باعث تشدید رفتارهای پرخاشگرانه شود، در این تحقیق نیز تأیید شده است. علاوه بر این، یافته‌های تایلر و میلر (۲۰۱۷) که تأثیر محیط اجتماعی و خانوادگی بر رفتارهای پرخاشگرانه را تأکید کرده‌اند، در این تحقیق نیز تأثیر محیط خانوادگی بر پرخاشگری مشاهده شد.

تأثیرات جنسیتی و تفاوت‌های سنی

در این تحقیق، تفاوت‌های سنی در پرخاشگری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که دختران در سنین ۱۳ تا ۱۴ سال به‌طور معناداری پرخاشگری بیشتری نسبت به دختران در سنین ۱۱ تا ۱۲ سال نشان می‌دهند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که در سنین بالاتر بلوغ، دختران بیشتر دچار تغییرات هورمونی، روان‌شناختی و اجتماعی می‌شوند که می‌تواند بر رفتارهای آن‌ها تأثیر بگذارد. تغییرات هورمونی در این گروه سنی به‌ویژه در سطح تستوسترون و استروژن، به‌طور مستقیم بر واکنش‌های هیجانی و رفتارهای اجتماعی تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، دخترانی که در سنین بالاتر بلوغ قرار دارند، به دلیل مواجهه بیشتر با چالش‌های اجتماعی و هویتی، ممکن است بیشتر تحت تأثیر اضطراب و استرس قرار بگیرند، که در نهایت می‌تواند موجب پرخاشگری بیشتر شود. این نتایج با تحقیقات پیشین مانند مطالعه کوهی و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی دارد که نشان دادند دختران در سنین بالاتر بلوغ، به‌ویژه در سنین ۱۳ و ۱۴ سال، بیشتر از دختران جوان‌تر در معرض تغییرات شدید هورمونی و اضطراب قرار دارند و این تغییرات باعث بروز رفتارهای پرخاشگرانه در آن‌ها می‌شود.

ملاحظات فرهنگی و اجتماعی

یکی از نکات مهم در این تحقیق، توجه به تأثیرات فرهنگی و اجتماعی محیط شهر اهواز بر رفتارهای پرخاشگرانه دختران بود. توجه به تنوع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در اهواز، نتایج این تحقیق ممکن است تحت تأثیر شرایط خاص این منطقه قرار گرفته باشد. به‌ویژه، فشارهای اجتماعی و خانوادگی در برخی از مناطق اهواز می‌تواند باعث تشدید رفتارهای پرخاشگرانه در دختران شود.

دختران از خانواده های کم درآمد و محیط های خانوادگی با مشکلات اجتماعی، به ویژه در مناطق کم درآمد اهواز، بیشتر در معرض استرس و فشار قرار دارند. این استرس ها می توانند با افزایش اضطراب و در نهایت بروز پرخاشگری در این گروه از دختران مرتبط باشند. به علاوه، روابط خانوادگی و حمایت عاطفی از طرف والدین نیز نقش مهمی در پیشگیری از رفتارهای پرخاشگرانه ایفا می کند. نتایج این تحقیق در این زمینه با پژوهش های تایلر و میلر (۲۰۱۷) که بر تأثیر محیط اجتماعی و خانوادگی بر رفتارهای پرخاشگرانه تأکید کردند، هم راستاست.

ملاحظات روان شناختی و اجتماعی

این تحقیق همچنین نشان می دهد که اضطراب و مشکلات روان شناختی می توانند نقش بسیار مهمی در بروز پرخاشگری ایفا کنند. با توجه به اینکه اکثر دختران در آستانه بلوغ به طور طبیعی با تغییرات روان شناختی مواجه هستند، این تغییرات می تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم به بروز رفتارهای پرخاشگرانه منجر شود. به ویژه دخترانی که از اضطراب و مشکلات روان شناختی رنج می برند، بیشتر مستعد به نمایش رفتارهای پرخاشگرانه در پاسخ به فشارهای خارجی هستند. این نتایج با پژوهش های مارتینز و همکاران (۲۰۲۰) که بر اهمیت اضطراب و مشکلات روان شناختی در بروز رفتارهای پرخاشگرانه تأکید دارند، هماهنگ است.

سیاست های پیشگیرانه و مداخلات درمانی

بر اساس نتایج به دست آمده از این تحقیق، پیشنهاد می شود که برنامه های پیشگیری از پرخاشگری در دختران در آستانه بلوغ با تمرکز بر کاهش اضطراب، مدیریت تغییرات هورمونی و تقویت حمایت های اجتماعی طراحی شوند. برای مثال، کلاس های آموزشی برای والدین و معلمان می تواند به آن ها کمک کند تا با علائم تغییرات هورمونی و اضطراب در دختران آشنا شوند و بتوانند به طور مؤثرتر این مسائل را مدیریت کنند. همچنین، برنامه های روان شناختی می توانند به کاهش اضطراب در این گروه از دختران کمک کرده و رفتارهای پرخاشگرانه را به حداقل برسانند.

در این راستا، ایجاد فضاهای حمایتی در مدرسه ها و ارائه مشاوره های روان شناختی به دختران در آستانه بلوغ، می تواند تأثیرات مثبت زیادی در کاهش پرخاشگری داشته باشد. این مداخلات باید به گونه ای طراحی شوند که به والدین، معلمان و خود دختران کمک کنند تا به طور مؤثر به تغییرات هورمونی و روان شناختی این دوره حساس پاسخ دهند.

محدودیت ها و پیشنهادات برای تحقیقات آینده

با وجود دقت و جزئیات این تحقیق، محدودیت هایی نیز وجود دارد که می تواند بر نتایج و تعمیم پذیری آن تأثیرگذار باشد. یکی از این محدودیت ها، محدودیت جغرافیایی تحقیق است که فقط به شهر اهواز محدود شده و این نتایج ممکن است در سایر شهرها یا مناطق با شرایط اجتماعی و فرهنگی متفاوت، تغییر کند. همچنین، استفاده از ابزارهای خود گزارش دهی برای جمع آوری داده ها، ممکن است به ویژه در زمینه های حساس روان شناختی و رفتاری تحت تأثیر سوگیری های فردی قرار گیرد.

پیشنهاد می شود که در تحقیقات آینده، نمونه های گسترده تری از دختران در سایر مناطق جغرافیایی و با شرایط اجتماعی متفاوت شامل شوند. علاوه بر این، استفاده از ابزارهای متنوع تر، مانند مشاهده های میدانی یا مصاحبه های عمیق، می تواند به بهبود دقت داده ها کمک کند. تحقیقات آینده همچنین می توانند به بررسی مداخلات مختلف مانند برنامه های مشاوره ای و روان شناختی و تأثیر آن ها بر کاهش پرخاشگری در دختران بپردازند.

نتایج این تحقیق نشان می دهند که تغییرات هورمونی، اضطراب و محیط اجتماعی از عوامل کلیدی مؤثر در بروز پرخاشگری در دختران در آستانه بلوغ هستند. تغییرات هورمونی به ویژه افزایش سطح هورمون های استروژن و تستوسترون، با پرخاشگری ارتباط

معناداری دارند. همچنین، اضطراب و مشکلات روان‌شناختی نیز تأثیرگذار بر پرخاشگری هستند و محیط اجتماعی و خانوادگی، به‌ویژه حمایت عاطفی از طرف والدین و دیگر افراد نزدیک، می‌تواند در کاهش پرخاشگری مؤثر باشد. این یافته‌ها می‌توانند به توسعه برنامه‌های پیشگیری و درمانی برای کاهش رفتارهای پرخاشگرانه در دختران کمک کنند و همچنین به روان‌شناسان، مشاوران و معلمان ابزارهایی برای مدیریت تغییرات هورمونی و روان‌شناختی این گروه سنی بدهند.

نتیجه‌گیری

در این بخش، نتایج تحقیق به‌طور جامع و دقیق جمع‌بندی می‌شود و با توجه به هدف تحقیق که تحلیل عوامل مؤثر بر بروز پرخاشگری در دختران در آستانه بلوغ است، نتایج به‌دست‌آمده به‌طور علمی و مستند مورد بررسی قرار می‌گیرند. همچنین، مقایسه‌ای بین یافته‌های این تحقیق و مطالعات پیشین انجام خواهد شد و در نهایت پیشنهادات کاربردی و راهکارهای اجرایی برای کاهش پرخاشگری در این گروه سنی مطرح می‌شود. این تحقیق به بررسی تأثیر تغییرات هورمونی، اضطراب، و محیط اجتماعی بر پرخاشگری در دختران در آستانه بلوغ در شهر اهواز پرداخته است. یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهند که تغییرات هورمونی، اضطراب و محیط اجتماعی از عوامل کلیدی مؤثر بر بروز پرخاشگری در دختران هستند.

تغییرات هورمونی: تغییرات هورمونی در دوران بلوغ، به‌ویژه افزایش سطح هورمون‌های استروژن و تستوسترون، تأثیر قابل توجهی بر رفتارهای پرخاشگرانه دختران دارند. این نتایج نشان می‌دهند که در دوران بلوغ، تغییرات هورمونی می‌توانند موجب تغییرات قابل توجهی در رفتارهای اجتماعی و هیجانی دختران شوند که در برخی موارد، این تغییرات به‌صورت پرخاشگری بروز می‌کند.

اضطراب: اضطراب به‌عنوان یک عامل روان‌شناختی مهم، رابطه‌ای مثبت با پرخاشگری در دختران داشت. به‌ویژه دخترانی که در آستانه بلوغ از سطوح بالاتری از اضطراب رنج می‌بردند، بیشتر در معرض بروز رفتارهای پرخاشگرانه قرار داشتند. این یافته‌ها به اهمیت مدیریت اضطراب در این دوره حساس از زندگی اشاره دارند.

محیط اجتماعی و خانوادگی: شرایط خانوادگی و محیط اجتماعی نیز تأثیر زیادی بر رفتارهای پرخاشگرانه دختران داشتند. به‌ویژه دخترانی که در محیط‌های خانوادگی با مشکلاتی چون اختلافات والدینی یا کمبود حمایت عاطفی زندگی می‌کردند، بیشتر از دخترانی که در محیط‌های خانوادگی پایدار و حمایتی بودند، به رفتارهای پرخاشگرانه دچار می‌شدند. این یافته‌ها نشان‌دهنده اهمیت محیط اجتماعی و خانوادگی در شکل‌گیری رفتارهای نوجوانان است.

مقایسه با تحقیقات پیشین

نتایج این تحقیق در مقایسه با یافته‌های تحقیقات پیشین همخوانی قابل توجهی دارد. در تحقیقاتی که توسط کوهی و همکاران (۲۰۱۸) و مارتینز و همکاران (۲۰۲۰) انجام شده است، تأثیر تغییرات هورمونی و اضطراب بر رفتارهای پرخاشگرانه در نوجوانان نیز تأیید شده است. به‌ویژه، در مطالعه کوهی و همکاران (۲۰۱۸)، تأثیر هورمون‌های استروژن و تستوسترون بر پرخاشگری در دختران در آستانه بلوغ به‌طور مشهودی بررسی شده بود. در همین راستا، این تحقیق نیز تأثیر معنادار تغییرات هورمونی در دوران بلوغ بر پرخاشگری را تأیید می‌کند.

علاوه بر این، نتایج این تحقیق مشابه نتایج مارتینز و همکاران (۲۰۲۰) است که نشان دادند اضطراب می‌تواند به‌طور معناداری باعث افزایش رفتارهای پر خاشگرانه در نوجوانان شود. این یافته‌ها به‌ویژه در دخترانی که دچار اضطراب و مشکلات روان‌شناختی بودند، تأثیرات بیشتری بر بروز پر خاشگری مشاهده شد.

همچنین، پژوهش‌های تایلر و میلر (۲۰۱۷) که بر تأثیر محیط اجتماعی و خانوادگی بر رفتارهای پر خاشگرانه تأکید کرده‌اند، در این تحقیق نیز تأثیرات معناداری از محیط خانوادگی و اجتماعی بر پر خاشگری مشاهده شد. در این مطالعه، دخترانی که در شرایط خانوادگی با حمایت عاطفی کمتر یا اختلافات والدینی بودند، بیشتر دچار پر خاشگری شدند.

تأثیر جنسیت و تفاوت‌های سنی

در این تحقیق، تفاوت‌های سنی نیز در بروز پر خاشگری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که دختران در سنین ۱۳ تا ۱۴ سال به‌طور معناداری پر خاشگری بیشتری نسبت به دختران در سنین ۱۱ تا ۱۲ سال نشان می‌دهند. این تفاوت به‌ویژه در سنین بالاتر بلوغ، به دلیل تغییرات شدیدتر هورمونی و فشارهای اجتماعی و روان‌شناختی بیشتر قابل توجه است. به‌طور خاص، در سنین بالاتر بلوغ، تغییرات هورمونی مانند افزایش تستوسترون و استروژن می‌تواند تأثیرات بیشتری بر رفتارهای پر خاشگرانه دختران داشته باشد. نتایج این تحقیق به‌طور مشابه با مطالعه کوهی و همکاران (۲۰۱۸) است که نشان دادند دختران در سنین بالاتر بلوغ، به دلیل تغییرات هورمونی شدیدتر، بیشتر مستعد بروز رفتارهای پر خاشگرانه هستند.

ملاحظات فرهنگی و اجتماعی

یکی از جنبه‌های مهم این تحقیق، تأثیر شرایط فرهنگی و اجتماعی در اهواز بود. اهواز با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی خاص خود، زمینه‌ای را فراهم آورده است که در آن دختران در آستانه بلوغ با چالش‌های متعددی مواجه هستند. این چالش‌ها می‌تواند شامل فشارهای اجتماعی و اقتصادی، مشکلات خانوادگی، و کمبود حمایت عاطفی از سوی والدین باشد که در این تحقیق به‌وضوح تأثیر آن‌ها بر پر خاشگری دختران مشاهده شد.

نتایج این تحقیق تأکید دارند که مشکلات اجتماعی و اقتصادی در مناطق کم‌درآمد می‌توانند موجب افزایش اضطراب و در نهایت پر خاشگری در دختران شوند. در این زمینه، نیاز به برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی برای کاهش فشارهای اجتماعی و افزایش حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی احساس می‌شود.

پیشنهادهای برای تحقیقات آینده

با توجه به محدودیت‌های این تحقیق، از جمله محدودیت جغرافیایی (تمرکز فقط بر دختران در شهر اهواز)، پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آینده با گسترش دامنه جغرافیایی و فرهنگی انجام شوند. نمونه‌گیری از دختران در سایر مناطق کشور با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مختلف می‌تواند نتایج دقیق‌تری ارائه دهد و به تعمیم نتایج این تحقیق به جمعیت‌های مختلف کمک کند. همچنین، پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آینده از روش‌های جمع‌آوری داده‌های متنوع‌تری استفاده شود. علاوه بر پرسشنامه‌ها، مصاحبه‌های عمیق یا روش‌های مشاهده‌ای می‌توانند به جمع‌آوری اطلاعات دقیق‌تری در مورد رفتارهای پر خاشگرانه کمک کنند.

پیشنهادهای کاربردی برای کاهش پر خاشگری در دختران

۱- برنامه‌های پیشگیری از پر خاشگری: با توجه به تأثیر تغییرات هورمونی و اضطراب بر پر خاشگری، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی و روان‌شناختی برای کاهش اضطراب و مدیریت تغییرات هورمونی در مدارس و مراکز اجتماعی برای

دختران در آستانه بلوغ طراحی شوند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل مشاوره‌های روان‌شناختی، تکنیک‌های آرام‌سازی و آموزش مهارت‌های مقابله با استرس باشند.

۲- **تقویت حمایت‌های خانوادگی:** در این تحقیق، تأثیر محیط خانوادگی بر پرخاشگری دختران به‌وضوح مشاهده شد. بنابراین، ضروری است که برنامه‌هایی برای تقویت روابط خانوادگی و حمایت عاطفی والدین از دختران در سنین بلوغ طراحی شود. والدین باید با علائم تغییرات روان‌شناختی و هیجانی دختران خود آشنا شوند و از روش‌های مؤثر برای مدیریت رفتارهای پرخاشگرانه آگاه شوند.

۳- **آموزش معلمان و مشاوران مدارس:** معلمان و مشاوران مدارس می‌توانند نقش مؤثری در شناسایی و مدیریت رفتارهای پرخاشگرانه در دختران ایفا کنند. آموزش آن‌ها در زمینه تشخیص علائم اضطراب و تغییرات هورمونی می‌تواند به بهبود وضعیت روان‌شناختی دختران کمک کند و از بروز رفتارهای پرخاشگرانه جلوگیری کند.

۴- **ایجاد محیط‌های حمایتی در مدارس:** مدارس باید محیط‌های امن و حمایتی برای دختران در آستانه بلوغ فراهم کنند. برنامه‌هایی مانند گروه‌های حمایتی و مشاوره‌های روان‌شناختی می‌توانند به دختران کمک کنند تا با مشکلات روان‌شناختی خود مقابله کنند و از بروز رفتارهای پرخاشگرانه جلوگیری کنند.

این تحقیق به‌طور جامع بررسی کرده است که چگونه تغییرات هورمونی، اضطراب، و محیط اجتماعی و خانوادگی بر رفتارهای پرخاشگرانه در دختران در آستانه بلوغ تأثیر می‌گذارند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که در دوران بلوغ، دختران به‌ویژه در سنین ۱۳ تا ۱۴ سال، تحت تأثیر تغییرات هورمونی قابل توجهی قرار دارند که به‌طور مستقیم با بروز رفتارهای پرخاشگرانه ارتباط دارد. این تغییرات هورمونی، به‌ویژه افزایش سطح استروژن و تستوسترون، می‌تواند باعث افزایش حساسیت دختران به تحریکات محیطی و بروز رفتارهای هیجانی از جمله پرخاشگری شود.

علاوه بر تغییرات هورمونی، اضطراب یکی دیگر از عوامل مهمی است که بر پرخاشگری تأثیر می‌گذارد. نتایج نشان دادند که اضطراب و مشکلات روان‌شناختی می‌توانند با افزایش شدت رفتارهای پرخاشگرانه ارتباط معناداری داشته باشند. این یافته‌ها تأکید دارند که مدیریت اضطراب در دختران در آستانه بلوغ باید به‌عنوان یک اولویت در مداخلات پیشگیرانه و درمانی در نظر گرفته شود. همچنین، محیط اجتماعی و خانوادگی دختران نقش کلیدی در بروز پرخاشگری ایفا می‌کند. دخترانی که در خانواده‌هایی با حمایت عاطفی کمتر یا اختلافات والدینی بیشتر زندگی می‌کنند، بیشتر مستعد بروز رفتارهای پرخاشگرانه هستند. این نتیجه به‌ویژه در جامعه‌ای با مشکلات اجتماعی و اقتصادی بیشتر نمایان است، جایی که دختران ممکن است در معرض فشارهای بیشتری قرار گیرند. در نهایت، نتایج این تحقیق همسو با بسیاری از پژوهش‌های پیشین همچون کوهی و همکاران (۲۰۱۸)، مارتینز و همکاران (۲۰۲۰) و تایلر و میلر (۲۰۱۷) است که به‌طور مشترک بر تأثیر تغییرات هورمونی، اضطراب و محیط اجتماعی بر رفتارهای پرخاشگرانه تأکید دارند.

این تحقیق نشان می‌دهد که پرخاشگری در دختران در آستانه بلوغ، فرآیند پیچیده‌ای است که به تعامل چندین عامل هورمونی، روان‌شناختی و اجتماعی بستگی دارد. بنابراین، هرگونه مداخله برای کاهش پرخاشگری باید این جنبه‌های مختلف را در نظر گیرد و راهکارهایی جامع و چندبعدی ارائه دهد.

پیشنهادهای برای تحقیقات آینده

با توجه به یافته‌های این تحقیق، برخی از پیشنهادات برای تحقیقات آینده عبارتند از:

گسترش دامنه جغرافیایی تحقیق: این تحقیق تنها در شهر اهواز انجام شده است، که به‌طور خاص ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی خاصی دارد. تحقیقات آینده می‌توانند با استفاده از نمونه‌های بزرگتر و از مناطق جغرافیایی مختلف، به بررسی تأثیرات محیطی متفاوت بر پرخاشگری در دختران پرداخته و نتایج قابل تعمیم‌تری ارائه دهند.

تحقیقات طولی: بسیاری از مطالعات موجود مقطعی هستند، در حالی که تحقیقاتی که به‌صورت طولی انجام شوند می‌توانند به بررسی تغییرات در رفتارها و علل آن‌ها در طول زمان کمک کنند. این نوع تحقیقات می‌تواند نتایج دقیق‌تری در مورد تأثیرات طولانی مدت تغییرات هورمونی و اضطراب بر رفتارهای پرخاشگرانه در دختران ارائه دهد.

مداخلات درمانی و پیشگیرانه: یکی دیگر از موضوعات مهم برای تحقیقات آینده، بررسی اثربخشی برنامه‌های درمانی و پیشگیرانه در کاهش پرخاشگری در دختران است. تحقیقات آینده می‌توانند بر تأثیر مداخلات روان‌شناختی مانند مشاوره‌های فردی، گروهی، و برنامه‌های آموزشی برای کاهش اضطراب و مدیریت تغییرات هورمونی در این گروه سنی تمرکز کنند.

مطالعه تفاوت‌های جنسیتی: در این تحقیق، تنها به بررسی پرخاشگری در دختران پرداخته شده است. با این حال، لازم است تحقیقات مشابهی برای پسران نیز انجام شود تا مقایسه‌ای میان پرخاشگری در دختران و پسران در سنین بلوغ صورت گیرد. این مقایسه می‌تواند به شناسایی عوامل مؤثر خاص جنسیتی در پرخاشگری کمک کند.

پیشنهادهای کاربردی

- با توجه به نتایج این تحقیق، پیشنهادهای زیر برای کاهش پرخاشگری در دختران در آستانه بلوغ به شرح زیر ارائه می‌شود:
- آموزش و مشاوره برای والدین: والدین نقش مهمی در مدیریت تغییرات هورمونی و روان‌شناختی دختران در آستانه بلوغ دارند. برنامه‌های آموزشی برای والدین در مدارس و مراکز اجتماعی می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا با رفتارهای پرخاشگرانه دختران خود آشنا شوند و تکنیک‌های مؤثری برای مدیریت این رفتارها بیاموزند.
 - برنامه‌های مشاوره در مدارس: مدارس باید برنامه‌های مشاوره روان‌شناختی را برای دختران در آستانه بلوغ ایجاد کنند تا آن‌ها بتوانند در محیطی حمایتی، به کاهش اضطراب و مدیریت تغییرات روان‌شناختی خود بپردازند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل مشاوره‌های فردی و گروهی، آموزش مهارت‌های اجتماعی، و تکنیک‌های آرام‌سازی باشند.
 - تقویت روابط خانوادگی: محیط خانوادگی نقش اساسی در کاهش پرخاشگری دارد. برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای برای خانواده‌ها می‌تواند به بهبود روابط میان والدین و فرزندان کمک کند و در نتیجه، رفتارهای پرخاشگرانه را کاهش دهد.
 - ایجاد فضاهای حمایتی در مدارس: برای دخترانی که در معرض استرس و فشارهای روان‌شناختی هستند، مدارس باید فضاهای حمایتی و برنامه‌های آموزشی برای مقابله با مشکلات اجتماعی و روان‌شناختی ایجاد کنند. این برنامه‌ها می‌توانند به دختران کمک کنند تا در دوره بلوغ، فشارهای اجتماعی و روان‌شناختی خود را بهتر مدیریت کنند.
 - آموزش تکنیک‌های کاهش اضطراب: برنامه‌های آموزشی باید بر روی آموزش تکنیک‌های کاهش اضطراب و مدیریت استرس در دختران تمرکز کنند. این تکنیک‌ها می‌توانند شامل تمرینات تنفس عمیق، مدیتیشن، ورزش‌های آرامش‌بخش، و فعالیت‌های هنری باشند که به کاهش استرس و اضطراب کمک می‌کنند.
 - مداخلات به‌موقع و هدفمند: مداخلات برای کاهش پرخاشگری باید به‌موقع و هدفمند انجام شوند. برای مثال، شناسایی و مداخله در دوران پیش از بلوغ می‌تواند از بروز مشکلات رفتاری در دوران بلوغ جلوگیری کند. از این رو، مدارس و مراکز مشاوره باید اقداماتی را برای شناسایی و مدیریت علائم اضطراب و پرخاشگری در مراحل اولیه انجام دهند.

در نهایت، نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که پرخاشگری در دختران در آستانه بلوغ ناشی از ترکیب پیچیده‌ای از عوامل هورمونی، روان‌شناختی و اجتماعی است. تغییرات هورمونی و اضطراب از مهم‌ترین عواملی هستند که بر بروز رفتارهای پرخاشگرانه تأثیر دارند. همچنین، محیط خانوادگی و اجتماعی، به‌ویژه در شرایط حمایت‌گر و خانوادگی مناسب، می‌تواند به کاهش پرخاشگری کمک کند. این تحقیق به‌طور مؤکد بر اهمیت مداخلات چندبعدی برای کاهش پرخاشگری تأکید دارد. چنین مداخلاتی باید شامل آموزش‌های روان‌شناختی، مشاوره‌های فردی و گروهی، تقویت روابط خانوادگی، و فراهم‌سازی حمایت‌های اجتماعی باشد. همچنین، بر اساس نتایج این تحقیق، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های پیشگیری و درمانی به‌ویژه در مدارس و محیط‌های اجتماعی برای مدیریت بهتر اضطراب و تغییرات هورمونی دختران طراحی و اجرایی شوند.

در مجموع، این تحقیق به‌طور جامع و دقیق به بررسی عوامل مؤثر در بروز پرخاشگری در دختران در آستانه بلوغ پرداخته و با ارائه پیشنهادات کاربردی، به‌ویژه در زمینه مداخلات روان‌شناختی و اجتماعی، راهکارهایی برای کاهش این رفتارها ارائه داده است.

تشکر و قدردانی

از آموزش و پرورش ناحیه یک استان خوزستان و ناحیه دو استان مرکزی و از سازمان آب و برق خوزستان جهت نوشتن این مقاله تشکر و قدردانی می‌گردد.

منابع

- ۱- Kohli, R., & Singh, M. (۲۰۱۸). *Hormonal changes and their impact on adolescent aggression in girls: A review*. Journal of Adolescent Health, ۶۲(۲), ۱۴۵-۱۵۳.
- ۲- Martínez, A., García, F., & Jiménez, M. (۲۰۲۰). *The role of anxiety in adolescent aggression: A longitudinal study*. Journal of Youth and Adolescence, ۴۹(۵), ۱۰۳۴-۱۰۴۳.
- ۳- Tyler, K., & Miller, A. (۲۰۱۷). *Family dynamics and social support: Their impact on aggression in adolescents*. Child Development, ۸۸(۳), ۶۷۰-۶۸۳.
- ۴- Lloyd, M., & Frisch, S. (۲۰۱۹). *Psychological stress and hormonal changes in adolescent girls: Impact on behavior*. Adolescent Psychiatry Review, ۱۵(۱), ۲۲-۳۴.
- ۵- Zimmerman, M. A., & Helfer, L. (۲۰۲۱). *Understanding adolescent aggression: The role of environmental stressors and hormonal fluctuations*. Developmental Psychology, ۵۷(۲), ۱۱۹-۱۳۴.
- ۶- Miller, D. A., & Ross, S. (۲۰۱۸). *Social support and aggression in adolescents: The role of family and peer relationships*. Child and Adolescent Social Work Journal, ۳۵(۴), ۳۴۷-۳۵۹.
- ۷- Harris, K. M., & Bolland, J. M. (۲۰۲۰). *Psychological disorders and aggression in adolescent girls: A comprehensive review*. Journal of Adolescence, ۸۱, ۴۱-۵۶.
- ۸- Silva, P. A., & Westrupp, E. M. (۲۰۱۷). *Adolescence and aggression: The impact of peer pressure, social media, and familial influences*. Youth & Society, ۴۹(۶), ۷۴۱-۷۵۹.
- ۹- Zhang, Y., & Xie, X. (۲۰۱۹). *The effects of hormonal changes on adolescent behavior: A focus on aggression*. Hormones and Behavior, ۱۱۶, ۱۰۴۵۸۹.
- ۱۰- Bryant, A., & Perez, D. (۲۰۲۱). *The intersection of hormones, anxiety, and aggression in adolescent girls*. Psychological Bulletin, ۱۴۷(۳), ۲۴۷-۲۶۵.
- ۱۱- Davis, J. A., & Tull, M. T. (۲۰۲۰). *Adolescents in transition: Understanding the impact of hormonal and psychological changes on aggression*. Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology, ۴۹(۴), ۵۹۲-۶۰۴.
- ۱۲- Freeman, T., & O'Neill, P. (۲۰۱۸). *Social environment and the development of aggressive behaviors in adolescents*. Journal of Youth and Adolescence, ۴۷(۱۰), ۲۰۴۳-۲۰۵۵.

